

سنگاه

ماخذ: مجله ریدرز دایجست سال ۹۸

امیر دیوانی

کورسون» و همکارانش دوره سه ساله‌ای موسوم به «ایمان و درمان» را آموزش داده‌اند. بنا به پیش‌بینی «کورسون» به زودی برپایی دوره‌هایی از این دست، در دانشکده‌های پزشکی آمریکا متداول‌تر خواهد شد.

دکتر «دین اورنیش» که پژوهش مؤثر وی در ایجاد شیوه‌های دسترسی به آرامش و گریز از فشار روانی شهرت جهانی دارد، از مزایای صحت‌بخش درمان توأم با دعا و نیایش دفاع می‌کند. وی در تازه‌ترین و پرفروش‌ترین اثر خود به نام «عشق و بیش زیست» (Survival) ادعا می‌کند: «دست‌یابی به آرامش عاطفی به یاری شیوه‌های معنوی ممکن است تجربه نهایی شفا و بهبود به حساب آید.» به کارگیری دعا در درمان، سرگرمی دوران جدید نیست، بلکه مؤید بسیاری از نظرات کهن است که ما در حال کشف مجدد آن‌ها هستیم.

کلیساهای آمریکا نیز خدمات روحانی فراوانی برای بیماران و بومیان بستری در بیمارستان‌ها انجام می‌دهند و اکنون بدن منظور، از وجود صدها پرستار مزدیگر ساکن بخش‌ها سود می‌جویند. «سومونی» یکی از این پرستاران در «اوهایو» است. وی هر روز علاوه بر مراقبت‌های معمول پرستاری، در مراسم دعا و نیایش بیمارانش شرکت می‌جوید و معتقد است: «علم به این‌که مسایل بهداشتی آن‌ها تحت نظر و مراقبت پرستار بخش می‌باشد، خود به خود مایه تسلی است، اما بیماران هم تماس شخصی دعای مشترک را آرام‌بخش خویش می‌انگارند.»

گرایش به دعا و نیایش توأم با دارو و درمان مخصوص و محدود به مسیحیان نیست بلکه پیروان سایر ادیان رسمی الهی نیز به این حقیقت پای‌بند بوده و از آن پیروی می‌کنند.

خانم دکتر «آیریس کیز» ۵۴ ساله، متخصص بیماری‌های داخلی و کشیش کلیسایی در آفریقا است. هرچند او عقاید و باورهای مذهبی خود را به دیگران تحمیل نمی‌کند، ولی همیشه به سخنان بیمارانش درباره اعتقادات دینی‌شان گوش فرا می‌دهد. بسیاری از آنان زنان سیاه‌پوست سالخورده و دچار فشار خون هستند. پزشک مذکور متعاقب سال‌ها تماس و شنیدن گفته‌های آنان پیرامون

دعا و دارو

اوایل دهه ۱۹۸۰، متخصص جوان امراض داخلی به نام دکتر «دیل ای ماتیوز» با بیمار میان‌سال و با اراده‌ای برخورد کرد که زندگی او را دگرگون ساخت. پزشک نامبرده قرار بود قلب بیمار وی را درمان کند. پیش از شروع معاینه، او رو به پزشک معالج کرد و گفت: «من یک مسیحی مؤمن هستم، اگر قرار است، معالجه‌ام کنید، باید با من به دعا و راز و نیاز بپردازید.»

دکتر «ماتیوز» هم خدانشناس بود، اما هرگز از باورها و اعتقاداتش با بیماران سخن نمی‌گفت، ولی آن روز همراه با مریض خود مشغول دعا و نیایش شد. طنین صدای رعدآسای بیمار در فضای اتاق معاینه طنین افکند و پزشک یادشده را شگفت‌زده کرده بود.

ماتیوز امیدوار بود که کسی صدای آن دو را نشنود، زیرا بیم آن داشت که همکاران وی او را فردی خرافاتی بدانند! آن روز دکتر ماتیوز با این عمل، به بینش تازه و مهمی در زندگی خود دست یافت و برای نخستین بار پی برد که بیمارانش به واقع انسان کاملی است. این روزها هر وقت ماتیوز مریض را معاینه می‌کند، دقیقاً به حرف‌هایش گوش فرا می‌دهد تا علایمی از پای‌بندی او را به اصول مذهبی دریابد. اگر بیمار بگوید: «امیدوارم خدا کاری کند تا پیامدهای آزمایشم خوب از آب درآیند.»؛ ماتیوز می‌گوید: «بگویید ببینم نظرتان درباره خدا چیست؟»

دکتر ماتیوز استادیار دانشکده پزشکی «جرج تاون» و نویسنده کتاب «عامل ایمان» معتقد است: «هرچند دعا و نیایش جای دارو و درمان را نمی‌گیرد، اما باید دانست که این دو لازم و ملزوم یکدیگرند.»

دگرگونی تازه

پیشه پزشکی به تدریج با پزشکان پیشروی همچون «کونیک»، «بنسن» و «ماتیوز» به توافق می‌رسند، این مسأله چنان اثری بر مجامع علمی و پزشکی آمریکا بر جانها نهاده که در حال حاضر در برنامه‌های رسمی آموزشی متخصصان روان پزشکی این کشور، آشنایی با موضوعات روحانی و دینی معمول و اجتناب‌ناپذیر است. در دانشکده پزشکی «جان هاپکینز» دکتر «توماس ای



علاج

اعجاز یا درمان؟

باورهای دینی‌شان دریافت‌ه است چنانچه دربارهٔ بیماران معتقد به مذهب، شیوه‌های علمی درمان را با دعا‌های آرام‌بخش همراه سازد، به احتمال زیاد آنان تمرین‌های آرامش‌یابی، رژیم غذایی، دارویی و برنامه‌های حرکات ضروری و منظم را بهتر پی‌گیری می‌کنند.

چندی پیش، این پزشک سرگرم درمان یکی از بیماران خود شد. وی ۵۴ سال داشت و دچار حملهٔ قلبی شده بود، اگر چه مریض موردنظر می‌دانست که لازم است برای تقویت دستگاه قلبی - عروقی‌اش، ورزش کند، اما می‌ترسید که مبادا این‌گونه حرکات ورزشی موجب بروز حمله دیگر قلبی گردد. آزمایش‌های دیگری که از وی به عمل آمد، معلوم شد که دارای هیچ نوع بیماری تاجی (اکلیلی) قلبی نیست، اما انجام کارهای سخت و توان‌فرسای روزانه و شب‌های توأم با بی‌خوابی و نگرانی، وی را در معرض حمله‌های بی‌امان هورمون‌های تنش‌زا قرار می‌داد و «کیز» حس می‌کرد که وی بیش‌تر از نظر روحی بیمار است تا از نظر جسمی.

بنابراین، روزی از وی پرسید: «می‌خواهی برای سلامتی تو دست به دعا بلند کنیم؟» آنان دست‌ان‌شان را به یکدیگر دادند سرهایشان را خم کردند و چنین گفتند: «خدایا، می‌دانیم که تو شفا‌دهندهٔ بیمارانی، پس عاجزانه درخواست می‌کنیم خواهرمان را بهبود بخشی.» در هفته‌های بعد، پس از هربار معاینه، آن دو با هم به نیایش پرداختند و امروزه کمتر نشانه‌ای از مرض در وجود آن بیمار هست و حال وی رو به بهبودی کامل است.

آیا این بهتر شدن حال، پیامد معجزه‌ای بود یا صرفاً نتیجه درمان هوشمندانهٔ روان‌شناختی‌ها از نظر این پزشک:

«زندگی بشر یکی از معجزات پروردگار است و

خداوند، بیماران را، به دست پزشکان،

شفا می‌دهد و از همین روست که

پزشکان معتقدند: «دوا با ما،

شفا با خداست.»